



اولویت‌بندی ارزش‌های معنایی در ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم (مطالعه تطبیقی پارک‌های منتخب زنجان و سندج)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

چکیده:

پارک‌های شهری نقش مهمی در ارائه خدمات اکوسیستم فرهنگی (CES) دارند که به نوبه خود به ارتقای رفاه و کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. مطالعه حاضر با هدف بررسی و اولویت‌گذاری ارزش‌های معنایی مؤثر بر ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم در بافت‌های فرهنگی کردی و ترکی ایران در دو پارک شهری منتخب (پارک آبیدر سندج و پارک ملت زنجان) طراحی شده است. در این پژوهش منظر شهری به مثابه متنی چندلایه دیده شده و نقش عناصر معنایی، نمادین و روایی در شکل‌دهی «حس مکان» و تجربه بومی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است؛ داده‌ها از طریق پرسشنامه خبرگان شامل ۱۵ شاخص معنایی در پنج محور اصلی (حفظ حافظه تاریخی، نحوه استفاده و تجربه، بستر فرهنگی، عناصر نشانه‌ای و معنایی، روایت‌پردازی) گردآوری شده و روایی آن با آزمون KMO (0/87) و پایایی با ضریب آلفای کرونباخ (بیش از ۰/۷) تأیید گردیده است. نمونه پژوهش کارشناسان معماری منظر و برنامه‌ریزان شهری از دو بافت فرهنگی مورد مطالعه هستند. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های عامل‌یابی اکتشافی، آزمون‌های ناپارامتریک (فریدمن برای اولویت‌بندی و ویلکاکسون برای مقایسه زوجی) و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. محدوده پژوهش محدود به دو پارک شهری با ویژگی‌های مکانی و مدیریتی همسان اما با پیشینه فرهنگی متفاوت است، تا تأثیر بافت فرهنگی بر اولویت‌گذاری ارزش‌های معنایی به‌روشنی آشکار شود. اندازه‌گیری شاخص‌ها به‌صورت کمی با مقیاس لیکرت پنج‌درجه انجام می‌شود تا قابلیت تحلیل آماری و مقایسه‌ای فراهم گردد. نتایج نشان داد در بافت کردی (پارک آبیدر) شاخص‌های «حفظ حافظه تاریخی» و «بستر فرهنگی» بیشترین اولویت را دارند، در حالی که در بافت ترکی (پارک ملت) «نحوه استفاده و تجربه» و «حفظ حافظه تاریخی» شاخص‌های برجسته‌تر محسوب می‌شوند. تحلیل همبستگی و رگرسیون نیز تأکید کرد که فرآیندهای تعامل اجتماعی و روایت‌پردازی فعال، فراتر از حضور صرف نمادها، نقش محوری در تقویت حس مکان و ارتقای بهره‌برداری کاربران از خدمات فرهنگی اکوسیستم دارند. این یافته‌ها اصلاح رویکردهای طراحی منظر و مدیریت فضاهای شهری را با تأکید بر تقویت ارتباطات فرهنگی و خاطره‌سازی در بافت‌های متنوع فرهنگی پیشنهاد می‌کند.

کلید واژه‌ها: ارزش‌های معنایی، خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES)، کیفیت منظر پارک‌های شهری، بافت فرهنگی

^۱ دانشجوی دکتری معماری منظر، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ * گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل: bemanian@modares.ac.ir

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش تراکم جمعیت در مناطق شهری، فضاهای سبز عمومی را به عناصری حیاتی برای تأمین رفاه و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تبدیل کرده است (Sharifi, 2021). پارک‌های شهری در عصر حاضر، فراتر از کارکرد تفریحی سنتی، به عنوان هسته‌های چندعملکردی اکوسیستم‌های شهری عمل می‌کنند که نقش‌های زیست محیطی (مانند بهبود کیفیت هوا)، اجتماعی (فراهم آوری بستر تعاملات جمعی) و فرهنگی (حفاظت از آیین‌ها و رویدادهای محلی) را ایفا می‌نمایند (Fish et al., 2016). تحول مفهوم "طبیعت شهری" از رویکرد سلطه جویانه به سمت همزیستی انسان و محیط، به‌ویژه با ظهور انگاره‌های نوینی چون "اکوسیستم‌های انسانی" و "بوم‌شناسی فرهنگی"، چارچوبی جامع برای تبیین خدمات غیرملموس این فضاها ارائه داده است (Barthel et al., 2015). در این میان، «خدمات فرهنگی اکوسیستم»^۲ (CES) به مثابه کاتالیزوری برای پیوند معنادار بین انسان و طبیعت، نقشی محوری در تقویت سلامت روانی، هویت جمعی و انسجام اجتماعی جوامع شهری دارد (Plieninger, 2015). با این حال، مطالعات متعدد نشان می‌دهد که ادراک این خدمات، شدیداً متأثر از زمینه‌های فرهنگی و معنایی جوامع محلی است و نمی‌توان با الگویی یکسان برای تمامی بافت‌های فرهنگی به طراحی و مدیریت پارک‌ها پرداخت. به‌عنوان مثال، تحقیقات در ایران حاکی از آن است که اگرچه کارکرد تفریحی پارک‌ها به خوبی شناخته شده، اما ابعاد ذهنی‌تر خدمات فرهنگی (مانند حس تعلق مکانی، ارزش‌های نمادین و الهام‌بخشی فرهنگی) غالباً مغفول مانده‌اند (Mohammadi & Karimi, 2020). درک و تفسیر فرهنگی - اجتماعی فضا توسط مراجعان، که تحت عنوان «ارزش‌های معنایی» شناخته می‌شود، نقشی بنیادین در شکل‌دهی به ارزش‌های بصری و فرهنگی محیط ایفا می‌کند. مناظری که از «ساختار معنایی منسجمی» برخوردارند، قادرند احساس تعلق خاطر، هویت یابی و پیوند با محیط را در کاربران تقویت نمایند و به تبع آن، میزان استفاده از خدمات فرهنگی اکوسیستم را افزایش دهند (La Rosa & Spyra, 2016). این جنبه از کیفیت منظر، بر ویژگی‌های تجربی، تاریخی، فرهنگی و نمادین فضا متمرکز است و با ایجاد ارتباطات عاطفی و مستحکم‌سازی «حس مکان»، نقشی اساسی در شکل‌گیری ادراکات عمیق کاربران و بهره‌وری مطلوب از مواهب اکوسیستم دارد (La Rosa & Spyra, 2016). چنین رویکردی، فضاهای سبز شهری را به مثابه «اسناد پویای زنده‌ای» تصویر می‌کند که روایتگر هویت، میراث تاریخی و ارزش‌های جمعی جامعه بوده و ارتباطی سیال میان ادوار گذشته، حال و آینده برقرار می‌سازند. این تشبیه، بر ماهیت سیال و تفسیرپذیر آنها تأکید دارد؛ جایی که مؤلفه‌های کالبدی، کنش‌های انسانی و تجلیات فرهنگی درهم می‌آمیزند تا روایتی غنی و پویا خلق کنند (Sarrafi, 2014). پژوهش‌ها حاکی از آنند که نگرش‌ها نسبت به پارک‌های شهری، همزمان همگونی‌های جهان‌شمول و تمایزات فرهنگی ویژه‌ای را نشان می‌دهند. اگرچه برخی معیارهای ترجیحی (نظیر اهمیت نظافت) ممکن است میان فرهنگی باشند، سایر جنبه‌ها عمدتاً ریشه در بسترهای فرهنگی خاص دارند. هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، الگوهای تعامل شهروندان با این فضاها را به شدت تحت تأثیر قرار

^۲ Cultural Ecosystem Services

می‌دهند (Bertram & Rehdanz, 2015). یافته‌های تحقیقات داخلی در ایران حاکی است که با وجود اولویت ثابت «کارکرد تفریحی» برای مراجعان پارک‌ها، ابعاد ذهنی و غیرملموس خدمات فرهنگی اکوسیستم (نظیر ارزش‌های روحانی، الهام‌بخشی و حس مکان) کمتر مورد توجه و ادراک واقع شده‌اند (Sadeghi et al., 2022؛ Mashari et al., 2019). این امر نشان‌دهنده شکافی معنایی میان استفاده صرفاً فراغتی و ظرفیت بالقوه پارک‌ها برای ایجاد پیوندهای عاطفی و معنادارتر با طبیعت و فرهنگ محلی است. شواهدی نیز وجود دارد که طراحی‌های «طبیعت‌بنیاد» می‌توانند زمینه مساعدتری برای درک خدمات فرهنگی ذهنی فراهم آورند (Sadeghi et al., 2022) این مجموعه یافته‌ها، ضرورت تغییر پارادایم در طراحی منظر پارک‌ها را - از تمرکز صرف بر کالبد فیزیکی به سوی اولویت‌دهی ابعاد فرهنگی و معنایی - به وضوح آشکار می‌سازد. شکاف پژوهشی پس از مطالعه ۴۰۰ مقاله علمی و پژوهشی و طرح‌های پژوهشی ملی و بین‌المللی، موارد زیر شناسایی شدند:

۱. تمرکز غالب مطالعات پیشین بر ارزیابی اقتصادی خدمات اکوسیستم، بدون توجه کافی به ابعاد معنایی و تفسیرهای فرهنگی (Daniel et al., 2012).

۲. کمبود چارچوب‌های بوم‌محور برای سنجش تأثیر طراحی منظر بر ادراک خدمات فرهنگی در جوامع چندفرهنگی (Pascual, 2017).

۳. نادیده گرفتن نقش "ارزش‌های معنایی منظر" (شامل نمادها، روایت‌های تاریخی و دلالت‌های فرهنگی) به عنوان عاملی کلیدی در شکل‌گیری خوانش کاربران از فضا (Tengberg et al., 2012).

این پژوهش با اتکا به رهیافتی تطبیقی در دو بافت متمایز فرهنگی «کردی» و «ترکی» ایران، که نشان از نوآوری پژوهش حاضر است، در پی تدوین چارچوبی بومی برای پاسخ به این پرسش‌ها است:

- مولفه‌های کلیدی ارزش‌های معنایی مؤثر بر ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم در پارک‌های شهری بافت‌های فرهنگی کردی و ترکی کدامند و چگونه اولویت‌بندی می‌شوند؟

اهداف کلیدی در این پژوهش، شناسایی شاخص‌های معنایی مؤثر بر خوانش فرهنگی فضا در پارک‌های شهری و تدوین ماتریس اولویت‌بندی خدمات فرهنگی مبتنی بر ترجیحات بومی و در نهایت ارائه راهکارهای طراحی منظر سازگار با ویژگی‌های فرهنگی جوامع هدف می‌باشد. چارچوب نظری پژوهش با الهام از مفهوم «منظر به مثابه متن» و با تأکید بر تبدیل پارک‌ها به «کتاب‌های زنده» که هویت و تاریخ جوامع را روایت می‌کنند، به بررسی ارتباط بین طراحی کالبدی، ارزش‌های معنایی و ادراک CES می‌پردازد (Setten & Brown, 2013). این رویکرد، امکان تقویت "حس مکان" و افزایش تعاملات فرهنگی را از طریق خلق فضاهای چندلایه‌ای فراهم می‌آورد که در آن عناصر طبیعی، فعالیت‌های انسانی و بیان‌های فرهنگی در هم می‌تنند (Kianicka et al., 2006). روش شناسی این تحقیق از رویکرد

توصیفی-تحلیلی برای شناسایی، اولویت‌بندی و ارزیابی تأثیر شاخصه‌های سازماندهی معنایی بر ادراک و بهره‌برداری از خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES) در پارک‌های شهری استفاده شده است. گردآوری داده‌ها با روش‌های ترکیبی (پرسشنامه‌های کمی استاندارد و نظرات کیفی خبرگان) انجام می‌گیرد. محدوده پژوهش شامل دو شهر زنجان (بافت فرهنگی ترکی-آذری) و سنندج (بافت فرهنگی کردی) به دلیل تفاوت‌های بارز فرهنگی انتخاب شده‌اند. پارک‌های ملت (زنجان) و آیدر (سنندج) با معیارهای یکسان (دسترسی، امنیت، نگهداری) مطابق استاندارد بررسی شده‌اند.

مبانی نظری

مفهوم‌سازی خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES)

خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES) به عنوان منافع غیرمادی و ناملموسی تعریف می‌شوند که انسان از اکوسیستم‌ها از طریق غنی‌سازی معنوی، تعامل اجتماعی، الهام، آموزش، تفریح، میراث فرهنگی و تجربیات زیبایی‌شناختی به دست می‌آورد (MEAs, 2005; Dai et al., 2019). این خدمات جنبه‌های مختلف تعامل انسان با طبیعت را در بر می‌گیرند و نقش مهمی در ارتقای رفاه و کیفیت زندگی دارند. (Sadeghi, 2022) ارزیابی اکوسیستم هزاره (MEA, 2005) و طبقه‌بندی بین‌المللی مشترک خدمات اکوسیستم (Haines-Young & Potschin, 2013) به عنوان چارچوب‌های مهم بین‌المللی، خدمات فرهنگی را در دسته‌های مشخصی طبقه‌بندی می‌کنند که شامل زیبایی‌شناسی، تفریح، آموزش، الهام، میراث فرهنگی، رضایت معنوی و تعامل اجتماعی است (MEAs, 2005; Sadeghi et al., 2022). دریافت‌های ذهنی مردم از طبیعت، مهم‌ترین اصل در شناخت و ارزیابی خدمات فرهنگی اکوسیستم است و این خدمات مبتنی بر ادراک استفاده‌کنندگان شکل می‌گیرد. از این رو، خدمات فرهنگی می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد. هر چه تعامل سازنده‌تری بین مردم و فضای سبز شکل بگیرد، میزان بهره‌مندی آن‌ها از منافع آن افزایش می‌یابد. (La Rosa & Spyra, 2016). بسیاری از محققان بررسی فواید فرهنگی خدمات اکوسیستم را برای دستیابی به پایداری اجتماعی-اکولوژیک ضروری می‌دانند (Riechers et al., 2018). این دیدگاه بر این تأکید دارد که مدیریت محیط زیست نباید صرفاً بر تأمین نیازهای مادی تمرکز کند، بلکه باید ارزش‌های فرهنگی و تفریحی را نیز در نظر بگیرد (Riechers et al., 2018). این امر نشان‌دهنده نیاز به تقویت ابعاد ذهنی و معنوی ارتباط انسان با طبیعت در طراحی پارک‌های شهری است. شکل ۱، نمودار جمع‌بندی روند تحول فکری مفهوم خدمات فرهنگی اکوسیستم را نمایش می‌دهد و جدول ۱، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های خدمات فرهنگی اکوسیستم را دسته‌بندی می‌کند.



شکل ۱: نمودار سیر تحول در اندیشه خدمات فرهنگی اکوسیستم

Figure1: Diagram of the evolution of the idea of cultural ecosystem services

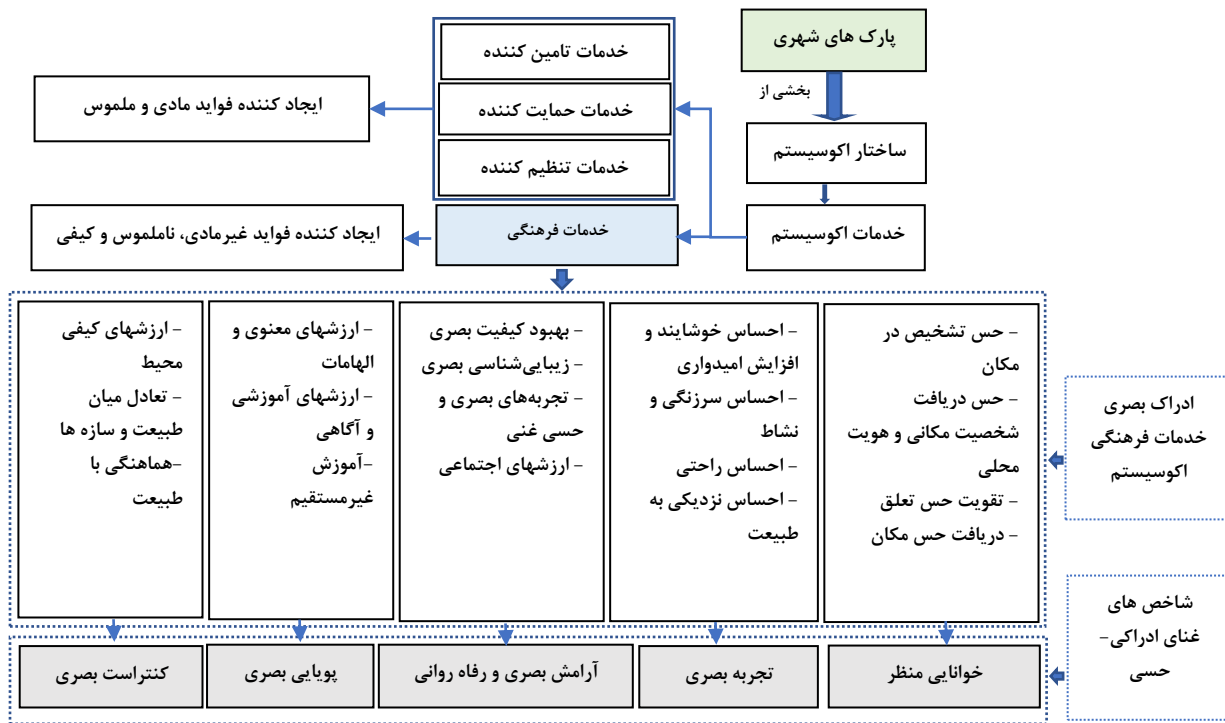
جدول ۱: شاخصه‌ها و زیر شاخصه‌های خدمات فرهنگی اکوسیستم (Sadeghi et al., 2022)

Table 1: Indicators and subcategories of cultural ecosystem services (Sadeghi et al., 2022)

منابع	زیر شاخصه‌ها	شاخصه
(Bertram & Rehdanz, 2015; Canedoli et al., 2017; Bryce et al., 2016; Haines-Young & Potschin, 2010; MEA, 2005; Sukhdev, 2010; Riechers et al., 2018; Naghizadeh, 2005)	یادآور نشانه‌های آفرینش خداوند، احساسی فراتر و عظیم‌تر از دنیای مادی، محلی برای فکر کردن به خدا، محلی مناسب برای مراقبه، حس معنوی از آرامش طبیعت	ارزش‌های معنوی مذهبی
(Sukhdev, 2010; Canedoli et al., 2017; Riechers et al., 2018; Bryce et al., 2016; MEA, 2005; Pajooanfar, 2015)	رهایی ذهن از دغدغه‌های زندگی، نظم به فکر و روان، الهام بخش ایده‌های جدید، محلی مناسب برای خلوت کردن، طبیعت الهام بخش ایده‌های هنری	الهامات
(Sukhdev, 2010; Canedoli et al., 2017; Riechers et al., 2018; MEA, 2005; Ryfield et al., 2019; Haines-Young & Potschin, 2013; Darwishi et al., 2018; Steg et al., 2017)	حس وابستگی نسبت به طبیعت، طبیعت را به عنوان بخشی از خود دانستن، دل تنگ طبیعت بودن، حس دلبستگی	حس مکان احساس تعلق و هویت
(MEA, 2005; Haines-Young & Potschin, 2013; Bertram & Rehdanz, 2015; Canedoli et al., 2017; Riechers et al., 2018; Ives et al., 2017; Taghvaei, 2012)	حفظ برای نسل آینده، احساس مسئولیت نسبت به طبیعت، میراث طبیعی، یادآور میراث فرهنگی، گونه‌های گیاهی با ارزش حفاظتی	ارزش‌های میراث فرهنگی
(MEA, 2005; Haines-Young & Potschin, 2013; Bertram & Rehdanz, 2015; Canedoli et al., 2017; Sukhdev, 2010; Parchekani, 2016; Pajooanfar, 2015)	تفریح و گردش، بازی‌های حرکتی، ورزش و پیاده‌روی، پیک‌نیک	ارزش‌های تفریح و گردشگری
(MEA, 2005; Canedoli et al., 2017; Bertram & Rehdanz, 2015; Bryce et al., 2016; Haines-Young & Potschin, 2013; Rabbani et al., 2011)	فرصتی برای یادگیری از طبیعت، مکانی برای پیشرفت دانش بوم‌شناختی، آموزش محیطی درباره طبیعت برای کودکان، آگاهی از طبیعت	ارزش‌های آموزشی و آگاهی از طبیعت
(Semiari et al., 2018; MEA, 2005; Bryce et al., 2016; Haines-Young & Potschin, 2013; Ives et al., 2017; Canedoli et al., 2017)	بودن با دیگران، فرصتی برای تعاملات اجتماعی، برگزاری جمع‌های خانوادگی، فعالیت‌های گروهی	ارتباطات اجتماعی

ویژگی های فرهنگی و غنای ادراکی منظر

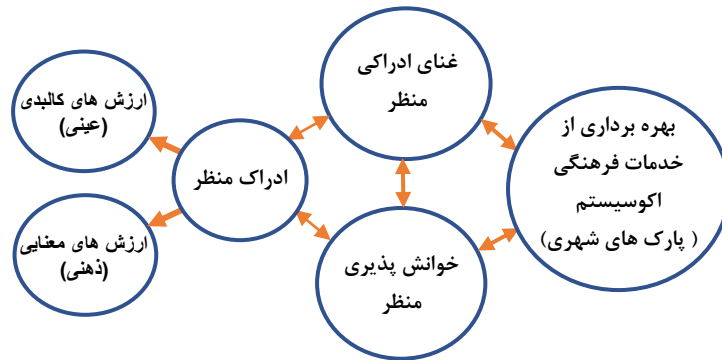
ادراک بصری و غنای حسی به عنوان جنبه‌های حیاتی درک و تقدیر از منظر عمل می‌کنند. این ارزش‌ها اولین و مستقیم‌ترین ارتباط انسان با طبیعت را شکل داده و بر احساسات، خاطرات و هویت فرهنگی مرتبط با مکان تأثیر می‌گذارند. این مفاهیم با کیفیت زندگی، سلامت روان و رفاه اجتماعی پیوند نزدیکی دارند. شکل ۲، نمودار روابط بین خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES) و ادراک بصری را نشان می‌دهد. خوانش‌پذیری منظر، ویژگی‌هایی فراتر از زیبایی ظاهری را دربرمی‌گیرد و روش‌های متنوع تعامل انسان با مناظر را منعکس می‌کند. یک منظر ممکن است به دلایل اکولوژیک، تاریخی، اجتماعی یا معنایی-نمادین ارزشمند باشد (Song et al.,2024). در نتیجه، غنای ادراکی-حسی و خوانش‌پذیری به عنوان عوامل کلیدی در بهره‌برداری از CES در پارک‌های شهری شناسایی شده‌اند.



شکل ۲: نمودار مولفه های ادراک بصری و غنای حسی خدمات فرهنگی اکوسیستم پارک های شهری. (Suzanchi & Ahmadi Barough,2024)

Figure 2: Diagram of the components of visual perception and sensory richness of cultural services of the cultural ecosystem of urban parks. (Suzanchi & Ahmadi Barough, 2024)

در این راستا غنای حسی و ادراکی منظر پارک‌های شهری را می‌توان محصول تعامل پویای دو طبقه بندی اصلی دانست که وجوه عینی و ذهنی منظر را در بر می‌گیرند: طبقه بندی کالبدی و معنایی. این دو بعد مکمل یکدیگر بوده و در مجموع تجربه ادراکی کاربران را شکل می‌دهند.



شکل ۳: نمودار همبستگی مولفه های پژوهش (Authors, 2025)

Figure 3: Correlation diagram of research components (Authors, 2025)

مطابق شکل ۳، که نمودار همبستگی مولفه های پژوهش را نشان می دهد و بر اساس نتایجی که از نظریه های مطرح شده در این پژوهش بدست آمد، دستیابی به ارتقای خوانش و ادراک منظر پارکهای شهری مستلزم تقویت کیفیت منظر از طریق دو دسته مؤلفه ی اثرگذار است:

- ارزش های کالبدی (ارزش های ملموس - بصری)، (شامل ویژگیهای فیزیکی و عملکردی محیط).
- ارزش های معنایی (ارزش های ناملموس - حسی)، (شامل ابعاد نمادین، تاریخی، فرهنگی و تجربی فضا).

در این پژوهش، « ارزشهای معنایی» به عنوان معیار اصلی سنجش کیفیت منظر تعیین شده اند، چراکه این ارزشها با ایجاد پیوندهای عاطفی، تقویت هویت مکانی و تسهیل تفسیر فرهنگی-اجتماعی فضا، نقش محوری در شکل گیری ادراک کاربران و بهره برداری از خدمات اکوسیستم ایفا میکنند. (La Rosa & Spyra, 2016)

ارزش های معنایی در پارک های شهری

ارزش های معنایی پارکهای شهری به معنای تبدیل فضاهاى سبز به "کتاب زنده‌ای" است که هویت، تاریخ و ارزش‌های جامعه را روایت می کند و پلی بین گذشته، حال و آینده ایجاد می نماید. این استعاره بر ماهیت پویا و تفسیری آنها تأکید دارد، جایی که عناصر فیزیکی، فعالیت‌های انسانی و بیان‌های فرهنگی در هم تنیده می‌شوند تا داستانی غنی در حال تحول را خلق کنند. (Sarraf, 2014) این رویکرد، درک عمیق‌تری از فضای سبز را فراتر از کارکرد صرفاً کالبدی آن ممکن می‌سازد و به کاربران اجازه می‌دهد با محیط خود ارتباطی عاطفی و هویتی برقرار کنند. (La Rosa & Spyra, 2016).

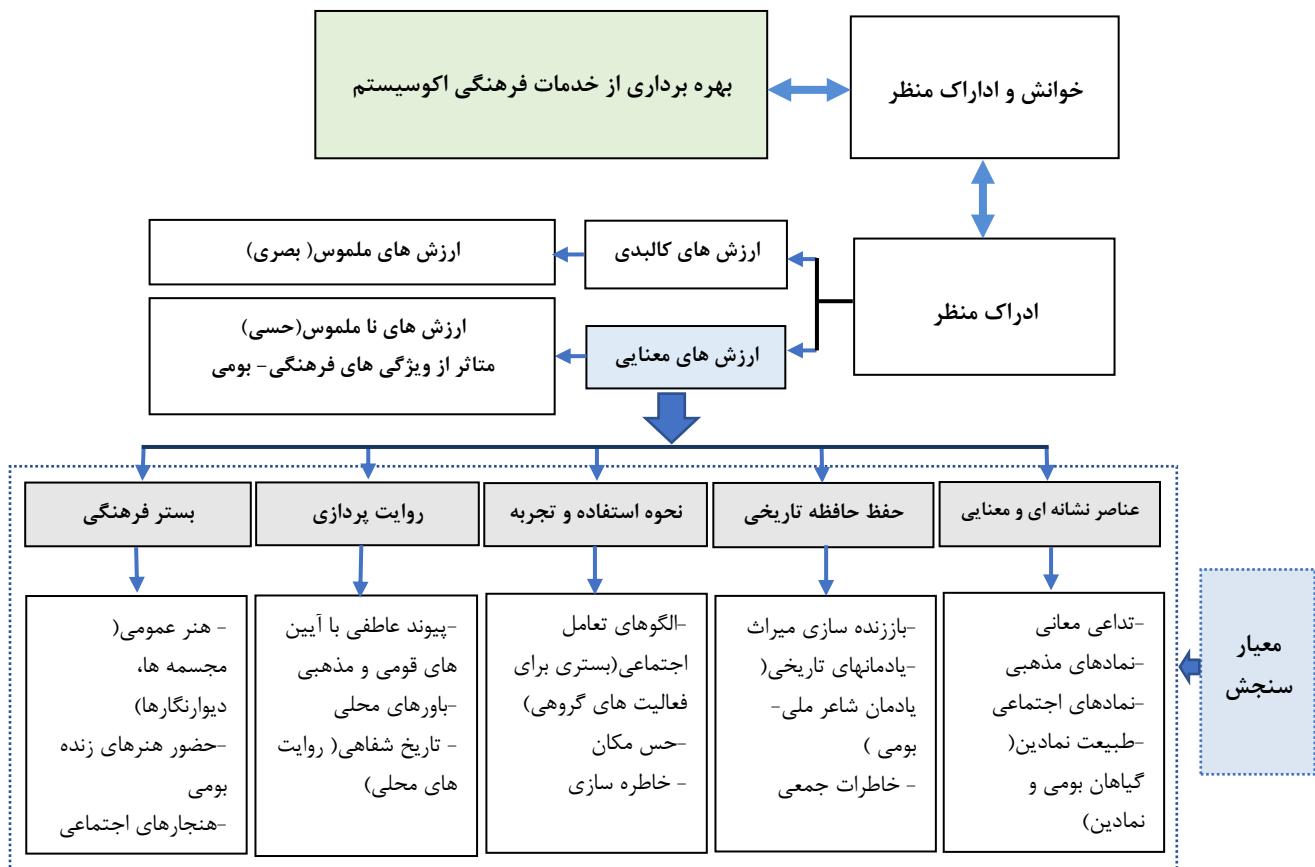
شاخص‌های اصلی ارزش های معنایی و زیرشاخص‌های آن، که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، شامل

موارد زیر است:

- **عناصر نشانه‌ای و معنایی:** این دسته شامل استفاده آگاهانه از عناصر معماری، الگوها یا تزئینات سنتی است که معانی یا تداعی‌های خاصی را در بستر فرهنگی برمی‌انگیزند (Liu & Li, 2024). به عنوان مثال، آب‌نما می‌تواند نماد پاکی باشد، یا استفاده از نمادهای مذهبی و اجتماعی مانند محراب کوچک یا نماد وحدت، به هویت و خوانایی فضا کمک می‌کند. طبیعت نمادین نیز شامل کاشت گونه‌های بومی یا گیاهانی است که در فرهنگ محلی معنای خاصی دارند (مانند سرو در فرهنگ ایران به عنوان نماد جاودانگی، بلوط به عنوان نماد مقاومت در ادبیات فولکلور کردی یا گندم در فرهنگ کشاورزی) که روایت‌های نمادین را در منظر طبیعی نشان می‌دهند (Sadeghi et al., 2022) اثربخشی این عناصر فراتر از صرفاً زیبایی‌شناسی است؛ آن‌ها نیازمند درک عمیق از بستر فرهنگی محلی هستند تا طنین واقعی ایجاد کرده و از سطحی‌گرایی جلوگیری کنند. زمانی که نمادها به راستی با زندگی و سنت‌های محلی پیوند می‌خورند، حس تعلق را برمی‌انگیزند و هویت فرهنگی را تعمیق می‌بخشند.
- **حفظ حافظه تاریخی:** این شاخص بر باززنده سازی میراث و ادغام بناها یا محوطه‌های تاریخی در پارک‌ها (مانند یک قلعه قدیمی یا یک آسیاب آبی) تأکید دارد که به عنوان پیوندی ملموس با گذشته عمل می‌کند و به پارک اجازه می‌دهد تا روایت‌های تاریخی را در خود جای دهد (Rossi, 1982). طراحی یادمان‌هایی برای رویدادهای مهم تاریخی یا قهرمانان ملی نیز مستقیماً به حافظه جمعی کمک می‌کند و بستری برای روایت‌پردازی فراهم می‌آورد (Sohag, 2024). پارک‌ها همچنین می‌توانند فضاهایی باشند که خاطرات مشترک رویدادهای گذشته را تداعی می‌کنند و حس تداوم و تعلق را در یک جامعه تقویت می‌کنند. (Rossi, 1982). این امر برای حفظ حافظه شهری و هویت محلی حیاتی است. (Rossi, 1982). شهرنشینی شتابان تهدیدی جدی برای این کارکرد محسوب می‌شود، زیرا بناهای تاریخی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو هستند و به دلیل نبود اقدامات حفاظتی مؤثر، به تدریج ناپدید می‌شوند.
- **نحوه استفاده و تجربه:** این شاخص شامل طراحی فضاهایی برای مراسم فرهنگی (مانند محافل شعر، جشن‌های ملی یا مراسم مذهبی) یا امکاناتی برای فعالیت‌های گروهی متناسب با سبک زندگی محلی (مانند زمین‌های ورزشی سنتی یا کارگاه‌های صنایع دستی) است که الگوهای تعامل اجتماعی خاصی را تشویق کرده و شیوه‌های فرهنگی را تقویت می‌کند. فعالیت‌ها، رویدادها و تعاملات درون پارک به ایجاد "حس مکان" قوی و تعلق کمک می‌کنند (Fadaei Tamijani, 2020). این ارتباط عاطفی از طریق برخوردهای مکرر و سرمایه‌گذاری روان‌شناختی شکل می‌گیرد و فضای بی‌تمایز را به مکانی معنادار تبدیل می‌کند (La Rosa & Spyra, 2016). ویژگی‌های طراحی که بر تجربه فضایی و شکل‌گیری خاطرات فردی کاربران تأثیر می‌گذارند نیز حیاتی هستند (Suzanchi & Ahmadi Barough, 2024).
- **روایت‌پردازی:** این شاخص شامل پیوند عاطفی با آیین‌های قومی و مذهبی، باورهای محلی و تاریخ شفاهی است که به غنای فرهنگی و معنایی فضا کمک کرده و داستان‌های نهفته در منظر را برای کاربران آشکار می‌سازد. (Sarraf, 2014). گنجاندن داستان‌ها، خاطرات و رویدادهای مرتبط با مکان پارک می‌تواند تجربه کاربری را عمیق‌تر و غنی‌تر کند (Yang, 2020).

(2024). استفاده از روایت‌های محلی در نام‌گذاری مسیرها، مکان‌ها یا عناصر پارک (مانند نام‌گذاری خیابان‌ها به نام شخصیت‌های تاریخی) تاریخ شفاهی را مستقیماً در بافت فیزیکی پارک ادغام می‌کند و آن را به "کتاب زنده‌ای" از داستان‌های محلی تبدیل می‌سازد (Antrop & Van Eetvelde, 2017). توسعه مؤثر روایت در پارک‌های شهری، به ویژه در زمینه‌های چندفرهنگی، نیازمند تغییر عمده‌ای از یک روایت فرهنگی غالب به یک رویکرد چندصدایی است. (Sarraf, 2014)

● **بستر فرهنگی:** این شاخص دربرگیرنده هنر عمومی، هویت فرهنگی و هنجارهای اجتماعی است که منعکس‌کننده ارزش‌ها و باورهای جامعه در فضای پارک هستند و به منظر عمق فرهنگی می‌بخشند. (Bahrami Nikou & Sajjadzadeh, 2019). نصب مجسمه‌ها، دیوارنگاره‌ها یا آثار هنری که روایت‌ها، اسطوره‌ها یا ارزش‌های اخلاقی جامعه را منتقل می‌کنند، ابزاری قدرتمند برای بیان عمومی است (Yang, 2024). هنجارهای اجتماعی، یعنی قوانین نانوشته جامعه، بر ترجیحات بصری و نحوه استفاده از فضاها تأثیر می‌گذارند و "گرامر" "کتاب زنده" را دیکته می‌کنند. هنر عمومی در پارک‌های شهری فراتر از صرفاً بهبود زیبایی‌شناختی است؛ این هنر به عنوان یک رسانه پویا و اغلب چالش‌برانگیز برای گفت‌وگو اجتماعی و سیاسی عمل می‌کند (Bahrami Nikou & Sajjadzadeh, 2019). شکل ۴، نمودار چارچوب مفهومی پژوهش و ارتباط بین مولفه‌های پژوهش را نمایش می‌دهد.



شکل ۴: نمودار چارچوب مفهومی پژوهش و معیار سنجش (Authors, 2025)

Figure ۴: Diagram of the conceptual framework of the research and the measurement criteria (Authors, ۲۰۲۵)

روش‌شناسی

از رویکرد توصیفی-تحلیلی برای شناسایی، اولویت‌بندی و ارزیابی تأثیر شاخصه‌های سازماندهی معنایی بر ادراک و بهره‌برداری از خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES) در پارک‌های شهری استفاده شد. گردآوری داده‌ها با روش‌های ترکیبی پرسشنامه‌های کمی استاندارد و نظرات کیفی خبرگان انجام گرفت.

انتخاب محدوده پژوهش

دو شهر زنجان (بافت فرهنگی ترکی-آذری) و سنندج (بافت فرهنگی کردی) به دلیل تفاوت‌های بارز فرهنگی انتخاب شدند. پارک‌های ملت (زنجان) و آبیدر (سنندج) با معیارهای یکسان (دسترسی، امنیت، نگهداری) مطابق استاندارد (Antrop et al., 2017) بررسی شدند.

چارچوب مفهومی

مدل مفهومی پژوهش، ارتباط سه‌گانه بافت فرهنگی، ارزش‌های کالبدی (ارزش‌های ملموس) و ارزش‌های معنایی (ارزش‌های ناملموس) را با کیفیت منظر و بهره‌برداری از CES تبیین می‌کند. شاخصه‌های معنایی با ایجاد پیوند عاطفی و تقویت هویت مکانی، نقش محوری دارند. (La Rosa & Spyra, 2016). طبق جدول ۲، شاخصه‌های ارزش‌های معنایی دسته‌بندی شده است.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

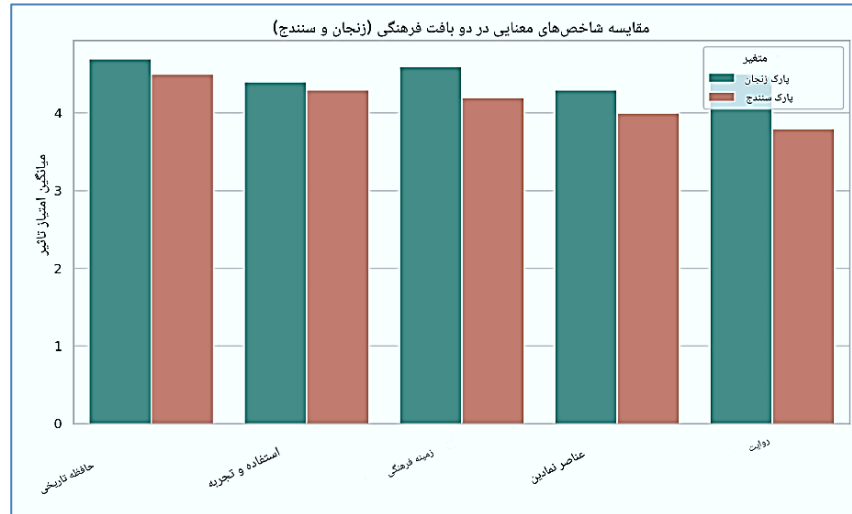
- پرسشنامه خبرگان: ۱۵-۲۰ متخصص (≤ 10 سال سابقه) ۵ شاخص اصلی معنایی (مطابق جدول ۲) را با مقیاس لیکرت ۵ امتیازی و پرسش‌های باز ارزیابی کردند.

-روایی/پایایی:

(مناسب برای تحلیل عاملی) KMO: 0/87 -

- آزمون بارتلت: معنادار ($p < 0/05$)

- آلفای کرونباخ: $> 0/7$ (پایایی مطلوب) -



جدول ۲: شاخص‌های ارزش‌های معنایی (Authors, 2025)

Table 2: Semantic value indicators (Authors, 2025)

یافته‌ها

اولویت‌بندی شاخص‌های معنایی (آزمون‌های فریدمن/ویلکاکسون)

جدول ۳: میانگین رتبه‌بندی شاخص‌ها (Authors, 2025)

Table ۳: Average ranking of indicators (Authors, 2025)

میانگین رتبه (سنندج)	میانگین رتبه (زنجان)	شاخصه
۴/۷	۴/۵	حفظ حافظه تاریخی
۴/۴	۴/۳	نحوه استفاده و تجربه
۴/۶	۴/۲	بستر فرهنگی
۴/۳	۴/۰	عناصر نشانه‌ای
۴/۵	۳/۸	روایت پردازی

شاخصه اصلی	زیرشاخص‌ها
عناصر نشانه‌ای و معنایی	تداعی نمادها، عناصر مذهبی/اجتماعی
حفظ حافظه تاریخی	یکپارچه‌سازی میراث، روایت‌های تاریخی
نحوه استفاده و تجربه	تعامل اجتماعی، دلبستگی مکانی
روایت‌پردازی	فولکلور، تاریخ شفاهی، پیوند عاطفی
بستر فرهنگی	هنر عمومی، هنجارهای اجتماعی، هویت فرهنگی

شکل ۵: نمودار مقایسه شاخص‌های معنایی در دو بافت فرهنگی (Authors, 2025)

Figure 5: Comparison chart of semantic indicators in two cultural contexts (Authors, 2025)

طبق جدول ۳ و شکل ۵، نتایج زیر بدست آمد:

- زنجان: حفظ حافظه تاریخی و تجربه کاربری بالاترین امتیاز را داشتند.
- سنندج: بستر فرهنگی و روایت‌پردازی اولویت اصلی بودند (بازتاب عمق فرهنگی کردی).

تأثیر شاخصه‌های معنایی بر CES (رگرسیون)

- «دلبستگی مکانی» و «انسجام اجتماعی» قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده: ($\beta = 0/48, p < 0/01$) استفاده و تجربه -
- تأثیر معنادار بر «ارزش‌های معنوی» و «الهام‌بخشی»: ($\beta = 0/42, p < 0/01$) بستر فرهنگی -
- تقویت «ادراک میراث» و هویت مکانی: ($\beta = 0/38, p < 0/05$) روایت‌پردازی -
- لزوم ادغام بافتی را تأیید می‌کند. ($\beta = 0/18, p > 0/05$) عناصر نشانه‌ای که تأثیر محدودی داشت -

تفاوت‌های فرهنگی در ادراک CES

- هر دو بافت، «تفریح» و «تعامل اجتماعی» را اولویت دادند.
- سنندج: پیوند قوی‌تر با ارزش‌های معنوی (+۲۳٪) و هویت مکانی (+۱۸٪) مطابق با روایت‌های فرهنگی کردی.

تأثیر ارزش‌های معنایی بر ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم

- تحلیل همبستگی و رگرسیون نشان داد که شاخصه‌های ارزش‌های معنایی تأثیر معنی‌داری بر ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم، به ویژه ابعاد ذهنی آن (مانند حس مکان، ارزش‌های معنوی و الهامات) دارند. (مطابق شکل ۶)



شکل ۶: نمودار همبستگی شاخص‌های معنایی با مؤلفه‌های ادراکی (Authors, 2025)

Figure 6: Correlation diagram of semantic indices with perceptual components (Authors, 2025)

از شکل ۶، این نتایج حاصل شد:

- تحلیل همبستگی و رگرسیون نیز تأکید می‌کند که فرآیندهای تعامل اجتماعی و روایت‌پردازی فعال، فراتر از حضور صرف نمادها، نقش محوری در تقویت حس مکان و ارتقای بهره‌برداری کاربران از خدمات فرهنگی اکوسیستم دارند.

- نحوه استفاده و تجربه (الگوهای تعامل اجتماعی، حس مکان، خاطره‌سازی): این شاخص بیشترین تأثیر را بر ادراک حس مکان و ارتباطات اجتماعی داشت. طراحی فضاهایی که فعالیت‌های گروهی و خاطره‌سازی را تسهیل می‌کنند، به طور مستقیم به تقویت حس تعلق و تعاملات اجتماعی منجر می‌شود. این امر نشان می‌دهد که پویایی و انعطاف‌پذیری فضا برای فعالیت‌های بومی، از اهمیت بالایی برخوردار است.
- بستر فرهنگی (هنر عمومی، هویت فرهنگی، هنجارهای اجتماعی): این شاخص تأثیر قابل توجهی بر ادراک ارزش‌های معنوی و الهامات داشت. حضور هنر عمومی مرتبط با فرهنگ بومی و انطباق طراحی با هنجارهای اجتماعی، به کاربران کمک می‌کند تا ارتباط عمیق‌تری با فضا برقرار کرده و از آن الهام بگیرند.

- روایت‌پردازی (پیوند عاطفی با آیین‌های قومی، باورهای بومی، تاریخ شفاهی): این شاخص نیز بر ادراک ارزش‌های میراث فرهنگی و حس مکان تأثیرگذار بود. انتقال داستان‌ها و باورهای محلی از طریق عناصر پارک، به کاربران امکان می‌دهد تا با گذشته خود ارتباط برقرار کرده و حس تداوم و هویت را تجربه کنند.
- عناصر نشانه‌ای و معنایی (تداعی معانی، نمادهای مذهبی/اجتماعی، طبیعت نمادین): این شاخص، اگرچه تأثیر مثبتی داشت، اما در مقایسه با سایر شاخص‌ها، تأثیر کمتری بر ادراک ابعاد ذهنی خدمات فرهنگی داشت. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که صرفاً حضور نمادها بدون تعامل فعال و روایت‌پردازی، به تنهایی نمی‌تواند به ادراک عمیق منجر شود.

این نتایج نشان می‌دهد که برای ارتقای کیفیت منظر و افزایش بهره‌برداری از خدمات فرهنگی اکوسیستم، به ویژه ابعاد ذهنی و ناملموس آن، باید بر طراحی پارک‌هایی تمرکز کرد که نه تنها از نظر کالبدی جذاب و عملکردی باشند، بلکه از نظر معنایی نیز غنی و با ارزش‌های فرهنگی بومی همسو باشند. این امر به ویژه در بافت‌های فرهنگی متمایز مانند کردی و ترکی، که حساسیت‌های خاصی نسبت به هویت و میراث فرهنگی خود دارند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم در پارک‌های شهری، فراتر از یک پدیده جهانی، به شدت تحت تأثیر بافت‌های فرهنگی محلی قرار دارد. در حالی که تفریح و ارتباطات اجتماعی به عنوان نیازهای اساسی و مشترک در هر دو بافت فرهنگی ترکی و کردی در اولویت قرار دارند، تفاوت‌های ظریفی در ادراک ابعاد ذهنی و معنوی خدمات فرهنگی مشاهده می‌شود. این یافته‌ها با مطالعات پیشین در تهران که نشان‌دهنده اولویت بالای تفریح و ضعف در ادراک ابعاد ذهنی CES بودند، همخوانی دارد با این حال، تفاوت‌های مشاهده شده بین پارک ملت زنجان و پارک آیدر سنندج در ادراک ارزش‌های معنوی و حس مکان، بر اهمیت رویکرد تطبیقی و توجه به ویژگی‌های فرهنگی بومی تأکید می‌کند. این امر نشان می‌دهد که در بافت فرهنگی کردی، ارتباط عمیق‌تری با طبیعت و میراث معنوی وجود دارد که می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت این ابعاد از خدمات فرهنگی باشد. جدول ۴، خلاصه‌ی منسجم و متمرکزی از بحث و یافته‌های مقاله را ارائه می‌دهد. در جدول ۴، خلاصه‌ای از مباحث پژوهش دسته‌بندی شده است.

جدول ۴: خلاصه‌ای از بحث مقاله، شامل محورهای کلیدی و نکات اصلی (Authors, 2025)

Table4: Summary of the article's discussion, including key themes and main points (Authors, 2025)

محو	خلاصه نکات اصلی	مثال/تأکید
تأثیر بافت فرهنگی محلی	ادراک خدمات فرهنگی - اکوسیستم فراتر از یک پدیده جهانی، تابع ویژگی‌های خاص فرهنگی هر منطقه است.	تقویت حس تعلق در بافت کردی نسبت به میراث معنوی

نیازهای اساسی مشترک	«تفریح» و «ارتباطات اجتماعی» در هر دو بافت کردی و ترکی در اولویت قرار دارند.	همخوانی با اولویت تفریح در مطالعات تهران (Mashari et al., 2019)
تفاوت‌های ظریف	گرایش به ابعاد ذهنی-معنوی در بافت کردی (حس عمیق‌تر با طبیعت و میراث) و تمرکز بر تجربه‌محوری در بافت ترکی.	پارک آیدر سندج: بستر فرهنگی و میراث تاریخی؛ پارک ملت زنجان: نحوه تجربه
همخوانی با مطالعات پیشین	اولویت تفریح بالا و ضعف ادراک ابعاد ذهنی CES در تهران تأیید می‌شود، اما تفاوت‌های منطقه‌ای اهمیت تطبیق‌پذیری رویکردها را نشان می‌دهد.	(Sadeghi et al., 2022) (Jangi et al., 2020)
نقش ارزش‌های معنایی	ارزش‌های معنایی (محرك‌های فرهنگی) در شکل‌گیری ادراک عمیق و بهره‌برداری مؤثر از خدمات فرهنگی کلیدی‌اند.	ارتباط اجتماعی بومی و هنر عمومی
مؤثرترین شاخص‌ها	«نحوه استفاده و تجربه» و «بستر فرهنگی» قوی‌ترین ابعاد معنایی در ارتقای ادراک ذهنی-عاطفی خدمات فرهنگی هستند.	طراحی فضاهای تعاملی، خاطره‌ساز و بازتاب‌دهنده هنجارها
محدودیت عناصر نشانه‌ای	حضور صرف نمادها (بدون روایت‌پردازی و تعامل فعال) تأثیر پایینی در ایجاد حس مکان دارد و ممکن است ادراک عمیق را فراهم نکند.	پارک باغ ایرانی تهران: عناصر سبک ایرانی، ولی ناکافی برای حس مکان
اهمیت روایت‌پردازی	انتقال داستان‌ها و تاریخ شفاهی بومی از طریق پارک به تقویت حس تداوم، هویت و «خوانش‌پذیری» منظر کمک می‌کند.	«کتاب زنده»؛ مشارکت جوامع محلی در طراحی فضا
رویکرد جامع و تطبیقی	طراحی منظر شهری باید بیش از ابعاد کالبدی به جنبه‌های معنایی و فرهنگی توجه کند و با ویژگی‌های بومی هماهنگ‌سازی شود تا پارک به کتاب زنده‌ای برای حفظ میراث ناملموس و تقویت تعلق خاطر بدل گردد.	پیش‌گیری از یکسان‌سازی جهانی با تاکید بر هویت محلی

یافته‌های کلیدی

۱- تجربه‌محوری < نمادگرایی: فعالیت‌های فرهنگی پویا (مثل آیین‌ها، هنر عمومی) نسبت به نمادهای ایستا، ادراک CES را بهبود می‌بخشند.

۲- اهمیت ویژگی‌های فرهنگی: بافت کردی ابعاد معنوی و روایی را تقویت می‌کند.

۳- روایت‌پردازی به‌عنوان کاتالیزور: بازتاب داستان‌های فرهنگی، پارک‌ها را به «کتاب‌های زنده» هویت تبدیل می‌کند. در جدول ۵، خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی پژوهش دسته‌بندی شده است.

پیامدهای نظری

- نقش ارزش‌های معنایی در چارچوب‌های CES را تأیید می‌کند.

- بافت فرهنگی را به‌عنوان متغیری کلیدی در مطالعات خوانش‌پذیری منظر برجسته می‌سازد.

جدول ۵: خلاصه‌ی یافته‌های کلیدی پژوهش (Authors, 2025)

Table 5: Summary of key research findings (Authors, 2025)

مؤلفه‌ی اصلی	یافته‌های کلیدی	مطالعات تطبیقی	توصیه‌های کاربردی
تأثیر بافت فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> • ادراک خدمات فرهنگی اکوسیستم (CES) در پارک‌های شهری شدیداً تحت تأثیر بافت فرهنگی محلی است. • اشتراکات: تفریح و ارتباطات اجتماعی در هر دو فرهنگ کردی و ترکی اولویت دارند. • تفاوت‌ها: ادراک ابعاد ذهنی/معنوی در فرهنگ کردی عمیق‌تر است (ارتباط قوی با طبیعت و میراث معنوی). 	<ul style="list-style-type: none"> • همخوانی با مطالعات تهران (اولویت تفریح، ضعف ادراک ابعاد ذهنی). • تضاد با پارک باغ ایرانی تهران (ضعف در ایجاد حس مکان با وجود عناصر فرهنگی). 	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی پارک‌ها با رویکرد تطبیقی و توجه به ویژگی‌های بومی. • تقویت ابعاد معنوی در بافت‌های فرهنگی مانند کردی.
نقش ارزش‌های معنایی	<ul style="list-style-type: none"> • ابعاد مؤثر: نحوه استفاده و تجربه بستر فرهنگی • نتایج: ارتقای خوانش‌پذیری، غنای ادراکی-حسی، و تبدیل پارک به "کتاب زنده" (ارتباط عاطفی و هویتی). • عامل کم‌تأثیر: عناصر نشانه‌ای به‌تنهایی (نمادها بدون تجربه پویا). 	<ul style="list-style-type: none"> • شکست پارک باغ ایرانی تهران: عناصر فرهنگی بدون ادغام در تجربه فعال. 	<ul style="list-style-type: none"> • ادغام نمادها با زندگی محلی و سنت‌ها. • طراحی فضاهای تسهیل‌کننده تعامل اجتماعی، خاطره‌سازی و بازتاب هنر/هنجارهای بومی.
روایت‌پردازی و مشارکت	<ul style="list-style-type: none"> • روایت‌پذیری (انتقال داستان‌ها، باورها، تاریخ شفاهی) حس تعلق و هویت را تقویت می‌کند. • حفظ حافظه شهری در شهرهای با تاریخ غنی (مثل زنجان و سنندج). 	-	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی مشارکتی با جوامع محلی برای اصالت نمادها. • استفاده از روایت‌پردازی در عناصر پارک.
راهبرد جامع	<ul style="list-style-type: none"> • نیاز به ترکیب ابعاد کالبدی، معنایی و فرهنگی در طراحی پارک‌ها. • هدف: ایجاد فضاهایی برای ارتباط عمیق‌تر، معنوی و هویتی با طبیعت/فرهنگ. 	-	<ul style="list-style-type: none"> • تبدیل پارک‌ها به "کتاب‌های زنده" برای مقابله با جهانی‌سازی یکسان‌ساز.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

▪ شاخص «استفاده و تجربه» و «بستر فرهنگی» برای بهینه‌سازی CES حیاتی‌اند.

شاخصه‌های ارزش‌های معنایی در متن پژوهش تعریف و شناسایی شد و تحلیل‌ها نشان داد که شاخصه‌های "نحوه استفاده و تجربه" و "بستر فرهنگی" بیشترین تأثیر را بر افزایش خوانش‌پذیری و ادراک منظر و به تبع آن، بر

ادراک ابعاد ذهنی خدمات فرهنگی اکوسیستم (مانند حس مکان و ارزش‌های معنوی) دارند. "روایت‌پردازی" نیز تأثیر قابل توجهی بر ادراک میراث فرهنگی و حس مکان داشت. در مقابل، "عناصر نشانه‌ای و معنایی" به تنهایی، تأثیر کمتری بر ادراک عمیق‌تر داشتند، که نشان می‌دهد صرف حضور نمادها بدون تعامل فعال و روایت‌پردازی کافی نیست. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی فضاهایی تأکید می‌کنند که امکان فعالیت‌های گروهی متناسب با فرهنگ بومی، خاطره‌سازی، و بازتاب هنر عمومی و هنجارهای اجتماعی را فراهم آورند.

▪ طراحی معنایی باید فراتر از نمادگرایی صرف، روایت‌های فرهنگی را در تجربیات کاربر ادغام کند.

شاخصه‌های مؤثر سازماندهی معنایی، با ایجاد پیوندهای عاطفی، تقویت هویت مکانی و تسهیل تفسیر فرهنگی-اجتماعی فضا، به طور مستقیم به ارتقای کیفیت منظر و افزایش بهره‌برداری از خدمات فرهنگی اکوسیستم کمک می‌کنند. با تمرکز بر "نحوه استفاده و تجربه"، "بستر فرهنگی" و "روایت‌پردازی"، پارک‌ها می‌توانند به "کتاب‌های زنده‌ای" تبدیل شوند که هویت، تاریخ و ارزش‌های جامعه را روایت می‌کنند. این امر به ویژه در بافت‌های فرهنگی کردی و ترکی، به تقویت تعلق خاطر شهروندان به محیط شهری از طریق ارتباط عاطفی با فرهنگشان و حفاظت از میراث ناملموس در برابر جهانی‌سازی یکسان‌ساز کمک می‌کند. این رویکرد، با ایجاد فضای شهری انسان‌محور که پاسخگوی نیازهای معنوی و اجتماعی جامعه است، نه تنها به بهبود کیفیت فیزیکی فضا می‌انجامد، بلکه پیوندهای عمیق‌تر انسانی با طبیعت و میراث فرهنگی را نیز تقویت می‌نماید و به شهروندان امکان می‌دهد تا به طور کامل‌تری از منافع غیرمادی این فضاهای حیاتی بهره‌مند شوند.

▪ پارک‌های پاسخگو به فرهنگ، به‌عنوان «کتاب‌های زنده» در برابر جهانی‌سازی یکسان‌ساز عمل می‌کنند.

این پژوهش با هدف ارزیابی تأثیر ارزش‌های معنایی و فرهنگی بر ادراک پارک شهری و بهره‌برداری از خدمات فرهنگی اکوسیستم در دو بافت فرهنگی متمایز (کردی و ترکی) در ایران انجام شد. نتایج به دست آمده، بینش‌های مهمی را در مورد چگونگی تأثیر ارزش‌های معنایی بر اولویت‌بندی خدمات فرهنگی اکوسیستم ارائه می‌دهد.

توصیه‌های عملی

طراحی مشارکتی: تسهیل فعالیت‌های جامعه‌محور (مثل کارگاه‌های صنایع دستی، جشنواره‌های فولکلور).
ادغام روایت‌ها: استفاده از هنر عمومی، تاریخ شفاهی و گونه‌های بومی (مثل بلوط در فرهنگ کردی) برای تقویت هویت.

تأکید بر تجربیات چندحسی: طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر برای تعامل اجتماعی و خاطره‌سازی.

References:

- Antrop, M., & Van Eetvelde, V. (2017). **Landscape perspectives: The holistic nature of landscape**. Springer. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-94-024-1183-6>
- Bahrami Nikou, M., & Sajjadzadeh, H. (2019). The role of public art in the culture-led regeneration of urban spaces with an emphasis on place creation (Case study: Mellat Park and Ab-o Atash Park). *Armanshahr*, 12(28), pp. 81–94. http://www.armanshahrjournal.com/article_69626.html .[In Persian]
- Barthel, S., Colding, J., Elmqvist, T., & Folke, C. (2015). History and local management of a biodiversity-rich, urban cultural landscape. *Ecology and Society*, 20(2), 10. <https://doi.org/10.5751/ES-07785-200210>
- Bertram, C., & Rehdanz, K. (2015). Preferences for cultural urban ecosystem services: Comparing attitudes, perception, and use. *Ecosystem Services*, 12, pp. 187–199. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2014.12.011>
- Bryce, R., Irvine, K. N., Church, A., Fish, R., Ranger, S., & Kenter, J. O. (2016). Subjective well-being indicators for large-scale assessment of cultural ecosystem services. *Ecosystem Services*, 21, pp. 258–269. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2016.07.015>
- Canedoli, C., Bullock, C., Collier, M. J., Joyce, D., & Padoa-Schioppa, E. (2017). Public-participatory mapping of cultural ecosystem services: Citizen perception and park management in the Parco Nord of Milan (Italy). *Sustainability*, 9(6), p. 891. <https://doi.org/10.3390/su9060891>
- Dai, P., Zhang, S., Chen, Z., Gong, Y., & Hou, H. (2019). Perceptions of cultural ecosystem services in urban parks based on social network data. *Sustainability*, 11(19), pp. 5386. <https://doi.org/10.3390/su11195386>
- Daniel, T. C. (2012). Contributions of cultural services to the ecosystem services agenda. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(23), pp. 8812–8819. <https://doi.org/10.1073/pnas.1114773109>
- Darwishi, Y., Sarley, R., Shiravand, M., & Azadbakht, J. (2018). The effect of spatial and anonymous factors in green spaces on mindfulness and attachment to the city (Case study: Municipal Park, Chaleh Bagh Park, Gorgan Nation Park). *Geography and Human Relations*, 1, pp. 535–555. [In Persian]
- Fadaei Tamijani, H. (2020). Recognition of the concept of identity in traditional and contemporary Iranian green spaces: Gardens and parks. *Sociological Research*, 14(1–2), pp. 131–144. **42**. [In Persian] <https://doi.org/10.34785/J011.2022.79>
- Fish, R., Church, A., & Winter, M. (2016). Conceptualising cultural ecosystem services: A novel framework for research. *Environmental Science & Policy*, 56, pp. 1–10. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2015.11.004>
- Haines-Young, R., & Potschin, M. (2013). **Common International Classification of Ecosystem Services (CICES): Consultation on Version 4**, August–December 2010 (p.36).

- Ives, C. D., Oke, C., Hehir, A., Gordon, A., Wang, Y., & Bekessy, S. A. (2017). Capturing residents' values for urban green space: Mapping, analysis and guidance for practice. **Landscape and Urban Planning**, *161*, pp. 32–43. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.11.010>
- Jangi, H., Tavakolnia, J., & Rezvaniyan, M. T. (2020). A participatory framework for the concept of landscape aesthetics in cultural ecosystem services (Case study: Tehran's District 22). **Geographical Research in Urban Planning**, *8*(4), pp. 671–693. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.307808.1354>.
- Kianicka, S., Buchecker, M., Hunziker, M., & Müller-Böker, U. (2006). Locals' and tourists' sense of place. **Journal of Environmental Psychology**, *26*(4), pp. 316–327. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2006.09.001>
- La Rosa, D., & Spyra, M. (2016). Indicators of cultural ecosystem services for urban planning: A review. **Ecological Indicators**, *61*, pp. 74–89. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2015.09.026>
- Liu, L., & Li, Y. (2024). Comment on Urban design and Chinese culture spirit: The symbolic significance of mountain factors in shaping cultural park. **ResearchGate**.
- Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. In I. Altman & S. M. Low (Eds.), **Place Attachment** (pp. 1–12). **Plenum Press**.
- MEA (Millennium Ecosystem Assessment). (2005). **Ecosystems and human well-being: Biodiversity synthesis**. Island Press. <https://www.millenniumassessment.org/documents/document.356.aspx.pdf>
- Mashari, M., Sepehri, A., Barani, H., & Danehkar, A. (2019). Designing criteria and indicators for measuring the valuation of cultural ecosystem services based on the native coordinates of Iran. **Naqsh-e Jahan**, *9*(4), pp. 305–312. [In Persian]
- Mohammadi, A., & Karimi, D. (2020). Cultural barriers in the perception of urban park ecosystem services. **Environmental Studies Journal**, *46*(3), pp. 521–538. [In Persian]
- Naghizadeh, M. (2005). **The place of nature and environment in Iranian culture and cities**. Islamic Azad University Press. [In Persian]
- Pajooanfar, M. (2015). Analysis on motives of urban park user and influence of socio-demographics on motives (case study: Residents of Gorgan City). **Geographical Planning of Space**, *15*, pp. 163–176. [In Persian]
- Parchekani, P. (2016). What is urban tourism landscape. **Journal of Art and Civilization of the Orient**, *13*, pp. 52–59. [In Persian]
- Pascual, U. (2017). Valuing nature's contributions to people. **Science**, *359*(6373), pp. 270–272. <https://doi.org/10.1126/science.aap8826>
- Plieninger, T. (2015). Assessing, mapping, and quantifying cultural ecosystem services. **Environmental Science & Policy**, *53*, pp. 77–94. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2015.01.005>
- Rabbani, R., Nazari, J., & Mokhtari, M. (2011). Sociological explanation of the function of urban parks: A case study of parks in Isfahan. **Urban and Regional Studies and Research**, *10*, pp. 111–134. [In Persian]

- Riechers, M., Barkmann, J., & Tschardtke, T. (2018). Diverging perceptions by social groups on cultural ecosystem services provided by urban green. **Landscape and Urban Planning**, *175*, pp. 161–168. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2018.03.011>
- Rossi, A. (1982). **The architecture of the city**. MIT Press.
- Ryfield, F., Cabana, D., Brannigan, J., & Crowe, T. (2019). Conceptualizing ‘sense of place’ in cultural ecosystem services: **A framework for interdisciplinary research**.
- Sadeghi, Z., Ansari, M., & Haghghatbin, M. (2022). Investigating the planting pattern based on the desirable visual scale in neighborhood parks (Case study: Neighborhood parks in districts 1 and 18 of Tehran). **Urban Studies Quarterly**, *11*(41), pp. 31–42. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.329248.1008366>
- Sarraf, M. (2014). **Fazamandi-ye chand-farhang-garayi..** (Doctoral dissertation). University of Tehran. [In Persian]
- Semiari, A., Sadeghi, Z., Rahmani, F., & Khajeh Saeed, F. (2018). Evaluating landscape preferences; Planning of local parks in Tehran with a community-based approach. **Environmental Sciences**, *16*(2), pp.15–30. <https://doi.org/10.58209/geores.39.2.169> . [In Persian]
- Setten, G., & Brown, K. M. (2013). Landscape and heritage. **Geoforum**, *44*, pp. 1–4. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2012.11.015>
- Sharifi, A. (2021). Urban green resilience. **Sustainable Cities and Society**, *74*, pp.103-149. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.103149>
- Sohag, K. (2024). The impact of public art installations on urban recreation spaces. **ResearchGate**.
- Song, L., Wu, M., Wu, Y., Xu, X., & Xie, C. (2023). Research on the evaluation of cultural ecosystem services in Zhengzhou urban parks based on public perceptions. **Sustainability**, *15*(15), pp.119-164. <https://doi.org/10.3390/su151511964>
- Steg, L., van den Berg, A. E., & de Groot, J. (2017). **Environmental psychology: An introduction**. Wiley-Blackwell.
- Sukhdev, P. (2010). Putting a price on nature: The economics of ecosystems and biodiversity. **Solutions Journal**, *1*(6), pp.34–43.
- Suzanchi, K., & Ahmadi Barough, S. (2024). [Title in English]. In **Proceedings of the International Conference on Architecture, Urbanism, Art, Industrial Design, Construction and Wisdom-Based Technology** (pp. 17–37). Islamic Art University of Tabriz. <https://isnac.ir/XKHB-AAZKEF> [In Persian]
- Taqvae, S. H. (2012). **Memar-e manzar: Daramadi bar ta'rif-ha va mabani-ye nazari** (1st ed.). Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Tengberg, A. (2012). Cultural ecosystem services provided by landscapes. **Journal of Environmental Management**, *113*, pp. 213–223. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2012.08.019>

-Yang, L. (2024). Shifts in urban green space narratives. **ResearchGate**.

Prioritizing semantic values in the perception of ecosystem cultural services (Comparative study of selected parks in Zanjan and Sanandaj)

Solmaz Ahmadi Barough⁴ Mohammad Reza Bemanian^{5*}

Abstract:

Urban parks play a significant role in providing cultural ecosystem services (CES), which in turn contribute to enhancing citizens' well-being and quality of life. The present study aims to investigate and prioritize the semantic values influencing the perception of CES in Kurdish and Turkish cultural contexts of Iran, focusing on two selected urban parks (Abidar Park in Sanandaj and Mellat Park in Zanjan). The research adopts a descriptive-analytical approach. Data were collected through an expert questionnaire comprising 15 semantic indicators across five main dimensions (preservation of historical memory, usage and experience, cultural context, symbolic and semantic elements, and narrative construction). Validity was confirmed using the KMO test (0/87), and reliability was verified with Cronbach's alpha coefficient (More than 0/7). Statistical methods, including exploratory factor analysis, Friedman test, Wilcoxon test, and multiple linear regression, were employed. The results indicated that in the Kurdish context, "preservation of historical memory" and "cultural context" held higher priority, while in the Turkish context, "usage and experience" and "preservation of historical memory" were more prominent. The analyses revealed that social interaction and narrative construction, beyond mere symbols, play a pivotal role in enhancing the sense of place and promoting cultural ecosystem services. These findings underscore the importance of urban space management with an emphasis on cultural connections and memory-making in diverse cultural contexts.

Keywords: Semantic Values, Cultural Ecosystem Services (CES), Urban Park Landscape Quality, Cultural Context, Sense of Place, Comparative Study

Introduction:

Urban parks are critical urban green infrastructures that extend beyond their recreational function to provide vital Cultural Ecosystem Services (CES), significantly enhancing citizen well-being and quality of life. However, the perception of these non-material benefits (e.g., sense of place, spiritual values, cultural inspiration) is not universal but is profoundly shaped by local cultural and semantic contexts. A significant research gap exists, with previous studies often focusing on economic valuations of ecosystem services while neglecting these nuanced cultural interpretations and the role of landscape's semantic values. This study addresses this gap by investigating and prioritizing the semantic values that influence CES perception within two

⁴ PhD student in Landscape Architecture, Department of Architecture, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

^{5*}Professor of Landscape Architecture, Department of Architecture, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: bemanian@modares.ac.ir

distinct cultural contexts in Iran: Kurdish (Sanandaj) and Turkish-Azeri (Zanjan). Framed by the "landscape as text" concept, which views parks as "living books" narrating community identity and history, this research aims to develop a native framework for culturally responsive landscape design.

Methodology:

This study employed a descriptive-analytical approach. Data was collected through a structured expert questionnaire evaluating 15 semantic indicators grouped into five main dimensions: (1) Preservation of Historical Memory, (2) Usage and Experience, (3) Cultural Context, (4) Symbolic and Semantic Elements, and (5) Narrative Construction. The study focused on two comparable urban parks: Abidar Park in Sanandaj (Kurdish context) and Mellat Park in Zanjan (Turkish context).

Validity and Reliability: The questionnaire's validity was confirmed via the KMO test (value = 0/87), and its reliability was verified with a Cronbach's alpha coefficient exceeding 0/7.

Data Analysis: The collected data was analyzed using a suite of statistical methods, including Exploratory Factor Analysis, the Friedman Test, the Wilcoxon Test, and Multiple Linear Regression to prioritize the semantic indicators and determine their impact on CES perception.

Discussion:

The analysis reveals that the perception of CES is highly context-specific, moving beyond a universal phenomenon to one deeply rooted in local cultural frameworks. While recreation and social interaction were fundamental priorities in both cultural contexts, significant differences emerged in the perception of subjective and spiritual dimensions. In the Kurdish context (Sanandaj), the dimensions of "Cultural Context" and "Preservation of Historical Memory" were prioritized. This indicates a deeper, more intrinsic connection to nature, spiritual heritage, and collective memory, reflecting the

strength of Kurdish cultural narratives. In the Turkish-Azeri context (Zanjan), "Usage and Experience" and "Preservation of Historical Memory" held higher priority, suggesting a focus on practical, experiential interactions with the park space. Crucially, the research demonstrates that active social interaction and narrative construction are far more influential in fostering a sense of place and enhancing CES than the mere presence of symbolic elements. This underscores the need to move beyond superficial symbolism ("symbol-centric") towards creating spaces that facilitate experience-based, culturally-grounded interactions. The findings align with prior studies in Tehran showing a high priority for recreation but a weakness in perceiving subjective CES, yet they highlight the critical importance of a comparative, adaptive approach to account for regional cultural distinctions.

Conclusion:

This study concludes that the effective optimization of Cultural Ecosystem Services (CES) in urban parks hinges on the strategic integration of semantic values, with "Usage and Experience" and "Cultural Context" identified as the most critical levers. The key implications are:

1. **Design must transcend mere symbolism.** The presence of symbolic elements alone, without facilitating active interaction and narrative, has a limited impact on fostering a deep sense of place.
2. **Prioritize experience-based design.** Landscape management should focus on creating flexible spaces that facilitate communal activities, memory-making, and the reflection of local social norms and public art.
3. **Embrace narrative construction.** Parks should be designed as "living books" that integrate local folklore, oral history, and cultural stories, strengthening cultural continuity and identity.
4. **Adopt a culturally adaptive approach.** To combat global homogenization, park design must be tailored to specific cultural contexts (e.g., Kurdish vs. Turkish), transforming them into responsive spaces that strengthen citizens' emotional connection to their intangible cultural heritage and local environment.